

کارکرد های تربیتی دعای پیامبران در قرآن

محمد ایوب عارفی *

چکیده

در این تحقیق، به مسأله دعای پیامبران در قرآن، و کارکردهای تربیتی آن، با روش توصیفی-تحلیلی، پرداخته شده است. اهمیت، ضرورت و جایگاه دعا، بویژه دعای انبیای الهی در قرآن کریم، مفهوم شناسی دعا در قرآن، مورد توجه قرار گرفته است. در این پژوهش، خطوط الگودهی نیایش پیامبران به عنوان مهمترین کارکردهای تربیتی دعا و نیایش پیامبران در قرآن، بررسی و تبیین شده است. دعا درمانی، کارکرد دیگری این نیایش هاست، این تحقیق نشان می دهد، همانگونه که انبیا، اسوه حسنه در ساحت های مختلف زندگی برای بشری باشند، در دعا و نیایش- اعم از روش و محتوا-، بهترین اسوه و قدوه اند.

کلید واژگان: دعا، نیایش پیامبران، کارکرد، تربیتی، الگودهی

مقدمه

اهمیت و ضرورت دعا

اهمیت دعا، از اینجا روشن می شود که ما به لحاظ مبانی اعتقادی و فلسفی خدا را واجب الوجود و بی نیاز مطلق و خود را فقیر و نیازمند مطلق به او بدانیم؛ بنابراین، برای رفع نیازهای که از حیطة اختیار ما خارج و یا دشوار است به درگاه خدای قادر متعال روی می آوریم، تا نیازهای ما را رفع کند و یا کار ما را آسان نماید. قرآن کریم ارزش انسان را در دعا کردن او می داند: «قُلْ مَا يَعْبُؤُا بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ» (فرقان/۷۷) «بگو پروردگار من برای شما ارجی قائل نیست اگر دعای شما نباشد»، خداوند وعده اجابت داده است (بقره /۱۸۶، غافر/۶۰) از سوی دیگر، مطابق برخی روایات، دعا کردن عبادت است (طریحی، ۱۳۷۵: ۱/ ۱۴۱) دعا، مغز عبادت (شیخ حرعاملی ۲۷/۱۴۰۹: ۷) ستون دین، کلید پیروزی و رستگاری، نور آسمان و زمین، سلاح انبیا، سپر مؤمن، محبوب ترین و با فضیلت ترین عمل است (کلینی، ۱۴۰۷: ۲/ ۴۶۸ ح ۱-۵ و ۴۶۷) دعا، یک نوع عبادت و خضوع و بندگی است، و انسان به وسیله دعا توجه تازه ای به ذات خداوند پیدا می کند، و همان طور که همه عبادات اثر تربیتی دارد دعا هم دارای چنین اثری خواهد بود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱/ ۶۴۱)، بنابراین، دعا کردن ارزش عبادی دارد و وسیله تقرب به خداست.

بیان مسأله

دعا، در راستای ارتباط معنوی و عبادی با خدای قادر متعال، و تعالی روحی انسان صورت می گیرد، این ارتباط زمانی بهتر برقرار می شود که انسان علاوه برداشتن شرائط روحی، عاطفی، زمانی و مکانی، بایستی زبان دعا و نیایش را بداند، تا دعایش اثر بهتری داشته باشد، لذا، دعاهاى انسانهای پاک، و آگاه همچون پیامبران الهی، با متن قرآنی با عنایت به عصمت نیایش گران و مصونیت متن بهترین دعاها و زبان نیایش است، ما در این تحقیق کارکردهای تربیتی نیایش های پیامبران در قرآن را کاوش می کنیم.

مفهوم شناسی دعا

الف) دعا در لغت

معانی لغوی دعا، به در خواست و اجابت بر می گردد (غلامی ۱۳۹۴: ۱۱۶)، دعا، بمعنی خواندن و حاجت خواستن و نیز مطلق خواندن می باشد (قرشی ۱۳۷۱: ۲/ ۳۴۴) راغب اصفهانی، معتقد است؛ دعا مانند ندا یعنی صدازدن است، با این تفاوت که، ندا اداة خاص دارد مثل «یا» و «أیا»، ولی دعا چنین اداتی ندارد، گاهی به جای همدیگر استعمال می شوند، مثل این آیه شریفه: «كَمْثَلِ الَّذِي يَنْعِقُ بِمَا لَا يَسْمَعُ إِلَّا دُعَاءَ وَ نِدَاءَ» (بقره/۱۷۱)، (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۳۱۵) آنگونه که برخی لغت شناسان ذکر کرده اند، مفهوم سوال، خواندن، مشیت و اجابت در کلمه دعا نهفته است، هر چند اجابت از لوازم خواستن است (طریحی، ۱۳۷۵: ۱/ ۱۳۸).

ب) دعا در اصطلاح

برای دعا در اصطلاح، معانی متعدد ذکر شده است؛ مکارم شیرازی می نویسد: گرچه در باره معنی دعا در این جا احتمالات زیادی داده شده ولی ریشه همه تقریباً به یک اصل بازمی گردد؛ بعضی گفته اند، دعا به همان معنی دعا کردن معروف است، بعضی دیگر، آن را به معنی ایمان، و بعضی به معنی عبادت و توحید، و بعضی به معنی شکر، و بعضی به معنی خواندن خدا در سختی ها و شدائد، تفسیر کرده اند اما ریشه همه این ها همان ایمان و توجه به پروردگار است (مکارم شیرازی، ۱۵: ۱۳۷۴/۱۷۲).

برخی بر این باورند که، دعا و نیایش در اصطلاح، اصولاً کشش روح به سوی کانون غیر مادی جهان است، به طور معمول نیایش عبارت است از، تضرع، ناله مضطربانه و طلب یاری و استعانت از خداوند، و گاهی یک کشف و شهود روشن و آرام درونی و مستمر و دورتر از اقلیم همه محسوسات (غلامی، ۱۳۹۴ ص ۱۱۶). به هر حال، آنچه در این جا مقصود است این است که، دعا درخواست متواضعانه بنده امر خیری را از مولای حقیقی یعنی خدای متعال می باشد.

کاربرد های قرآنی واژه دعا

باتوجه به تحقیقات انجام شده، کلمه دعا و مشتقات آن در قرآن در بیش از ۱۳ معنی ذکر شده است:

- ۱- خواندن، دعا کردن، خواستن از خداوند: (بقره/۱۶۸) نمونه های دیگر: آل عمران/۳۸ اعراف/۱۸۹، یونس/۸۹ و ۱۰۱ و ۱۰۲، فرقان/۷۷، نمل/۶۲، زمر/۴۹، غافر/۶۰، فصلت/۵۱، قمر/۱۰، و...
- ۲- ندا دادن، صدازدن: (نور/۶۳) نمونه های دیگر: بقره/۱۷۱، آل عمران/۱۵۳، نمل/۸۰، روم/۲۵، قصص/۶۴، احقاف/۵، و...
- ۳- دعوت کردن به چیزی یا به سوی کسی، فراخواندن (یونس/۲۵) نمونه های دیگر: بقره/۲۸۲، انفال/۲۴، هود/۶۲، یوسف/۱۰۸، رعد/۳۶، ابراهیم/۲۲ و ۹، و...
- ۴- استغاثه، یاری خواستن (بقره/۲۳) نمونه های دیگر: انعام/۴۰ و ۴۱، اعراف/۱۹۷، یونس/۲۲، رعد/۱۴، اسراء/۶۷، فاطر/۱۸، عنکبوت/۶۵.
- ۵- قرار دادن، قائل شدن (مریم/۹۱)
- ۶- درخواست کردن، پرسیدن (بقره/۶۹) نمونه های دیگر: بقره/۷۰ و ۶۸ و ۶۱
- ۷- عبادت کردن، پرستیدن (کهف/۱۴) نمونه های دیگر: انعام/۵۶، اعراف/۱۹۴ و ۳۷، مریم/۴۸، حج/۷۳، قصص/۸۸، زمر/۳۸، صافات/۱۲۵، و....
- ۸- فریاد زدن از روی حسرت و اندوه (انبیا/۱۵)

۹- خواندن، نامیدن (اسرا/۱۰ و احزاب/۵)

۱۰- فرمان دادن، امر کردن (مجهول به صیغه): (محمد/۳۸) نمونه‌های دیگر: قلم/۴۲ و ۴۳)

۱۱- در باب افتعال به معنی: خواستن، طلبیدن (فصلت/۳۱)، نمونه دیگر: ملک/۲۷

۱۲- ادعا، ماحصل گفتار (اعراف/۵)

۱۳- به لفظ «دعی» جمعش «ادعیاء» به معنی پسر خوانده (احزاب/۴ و ۳۷)؛

(خرمشاهی، ۱۳۷۷، طبق نقل بهشتی و قریب: ۱۳۹۰، ۵/۳۳-۳۶)

اهمیت دعای پیامبران در قرآن

پیامبران الهی، به سبب درک عمیقی که از حقایق و معارف بویژه ذات باری تعالی داشتند؛ بیشتر به دعا و نیایش اهمیت می‌دادند؛ و زیاد نیایش می‌کردند. قرآن کریم، در باره ابراهیم، می‌فرماید: «إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَأَوَّاهٌ حَلِيمٌ» (توبه/۱۱۴) امام باقر(ع) می‌فرماید: مقصود از کلمه «أَوَّاه» دَعَا می‌باشد؛ یعنی، زیاد دعا و نیایش کردن (شیخ حرعاملی/۲: ۱۴۰۷/۴۶۶).

توجه به چند مطلب و اصل موضوعی، اهمیت دعای پیامبران را برای ما روشن و آشکار می‌سازد:

الف) اصل نیازمندی انسان؛

ب) محدودیت علم بشرعادی به نیازها؛

ج) آگاهی نسبی پیامبران از نیازهای مادی و معنوی؛

د) روش و الگودهی دعای پیامبران؛

ه) عصمت پیامبران و مصونیت قرآن؛

باتوجه به این امور، و این که پیامبران جز خیر و صلاح چیزی دیگری از خدا نمی‌خواهند، برای ما مهم است که در مقام دعا، از زبان پیامبران دعا و نیایش کنیم.

کارکرد الگودهی برای دعا کردن

مهمترین کارکرد دعای پیامبران، الگودهی برای ما می‌باشد، الگودهی در بخش روش و «چگونه دعا کردن» و نیز در بخش محتوا و «چه خواستن»:

۱ چگونه نیایش کنیم

یکی از نکات مهم و قابل توجه این است که، انسان روش دعا و عرض حاجت به درگاه خالقش را بداند، دانستن روش و چگونه دعا کردن در استجاب دعا تأثیری بسزا دارد. توجه به چگونگی دعاها در قرآن روش درست

و مؤثر نیایش را می آموزد، و قتی به نیایش های انبیا در قرآن نگاه می کنیم نکات کاربردی و مفیدی را در روش دعا کردن می یابیم.

۱-۱ آغاز نیایش با کلمه «رب»

بایستی نیایش، با ستایش پروردگار، شروع شود. حمد و ثنای الهی و صلوات بر پیامبر و اهلیت او (ص) پیش از دعا سفارش شده است. (کلینی، ۱۴۰۷: ۴۶۶/۲-۴۸۴-۴۹۱)، از جمله این که، انسان خدا را به عنوان مربی و پرورش دهنده خود و جهانیان بداند. اکثر دعاهای انبیا با کلمه «رب» شروع می شود، توجه به ربوبیت خدا، یعنی خدا را مربی و خود را متربی دانستن، مربی از هر کسی دیگری هم نیازهای متربی را بهتر می داند، هم می تواند نیازش را برآورده کند، و دلسوزانه عمل می کند، چه کسی از خالق متعال آگاهتر، تواناتر و مهربان تر است، پس توجه به ربوبیت خداوند در جلب توجه او و استجابت دعا مؤثر است.

۱-۲ اقرار به گناه

نکته کاربردی دیگر، در چگونه دعا کردن، اقرار و اعتراف به تقصیرها و جرائم خود در خلوت با خدا است. انبیا، از نظر ما، بدون تردید معصوم اند، و از گناه و معصیت مصونیت دارند (علامه حلی، ۱۴۱۳: ۳۴۹)، و لی در مقام دعا، اول بر ترک اولی و احیاناً عملشان بر خلاف نهی تنزیهی (نه نهی تحریمی) اعتراف می کنند. آن جا که حضرت آدم با همسرش می گویند: «رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا وَإِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ» (اعراف/۲۳) «پروردگارا! ما به خویشتن ستم کردیم و اگر ما را نبخشی و بر ما رحم نکنی از زیانکاران خواهیم بود.» یا حضرت موسی (ع) عرض می کند: «رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي» (قصص/۱۶) «پروردگارا! من به خویشتن ستم کردم، مرا ببخش»، یا حضرت یونس در شکم ماهی با خدا چنین مناجات می کند: «أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ» (انبیا/۸۷) «خداوند! جز تو معبودی نیست، منزهی تو، من از ستمکاران بودم» این رفتار انبیا در مقام دعا برای ما آموزنده است.

۱-۳ اظهار عجز و نیاز به درگاه خالق بی نیاز

دعا، ارتباط مخلوق با خالق و ارتباط عبد با مولاست؛ از این رو، خوب است انسان در مقام دعا به درگاه خدا، تذلل و اظهار عجز خود را بنماید. حضرت موسی، بعد از فرار از مصر به مدین در زیر سایه درختی چنین مناجات کرد: «رَبِّ إِنِّي لَمَّا أَنزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ» (قصص/۲۴) «پروردگارا! هر خیر و نیکی بر من فرستی من به آن نیازمندم» یا حضرت زکریا، اول پیری و فرسایش جسم و خوف از مشکلات، بعد از خودش را ذکر می کند، بعد از خدا طلب فرزند می کند: «رَبِّ إِنِّي وَهَنَ الْعَظْمُ مِنِّي وَاشْتَعَلَ الرَّأْسُ شَيْبًا وَلَمْ أَكُنْ بِدُعَائِكَ رَبِّ شَقِيًّا، وَإِنِّي خِفْتُ الْمَوَالِيَ مِنْ وَرَائِي وَكَانَتِ امْرَأَتِي عَاقِرًا فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا» (مریم/۴-۵) «پروردگارا! استخوانم سست شده و شعله پیری تمام سرم را

فرا گرفته و من هرگز در دعای تو از اجابت محروم نمی‌شدم، و من از بستگانم بعد از خودم بیمناکم (که حق پاسداری از آئین تو را نگاه ندارند) و همسر من نازا است، تو به قدرتت جانشینی به من ببخش».

۴-۱ یادآوری نعمت‌ها

ذکر نعمت‌های الهی در مقام دعا، نوعی ستایش خداوند است. حضرت موسی در مقام مناجات با خدا عرض می‌کند: «رَبِّ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ فَلَنْ أَكُونَ ظَهِيراً لِلْمُجْرِمِينَ» (قصص/۱۷) «عرض کرد پروردگارا! به شکرانه نعمتی که به من دادی من هرگز پشتیبان مجرمان نخواهم بود»، یا حضرت یوسف، در مقام درخواست از خدا نخست ملک و قدرت و دانش تعبیر خواب را که خدا به او داده یادآور می‌شود، و خدا را ولی و سرپرست خود در دنیا و آخرت می‌داند، سپس خواسته خود را مطرح می‌کند: «رَبِّ قَدْ آتَيْتَنِي مِنَ الْمُلْكِ وَعَلَّمْتَنِي مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَنْتَ وَلِيِّ فِی الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ تَوَفَّنِي مُسْلِماً وَالْحَقْنِي بِالصَّالِحِينَ» (یوسف/۱۰۱) «پروردگارا! بخش (عظیمی) از حکومت به من بخشیدی و مرا از علم تعبیر خوابها آگاه ساختی، تویی آفریننده آسمان‌ها و زمین، و تو سرپرست من در دنیا و آخرت هستی، مرا مسلمان بمیران. و به صالحان ملحق فرما».

۲ چه بخواهیم

مهمترین خواسته‌های پیامبران در نیایش

در این بخش به خواسته‌های پیامبران در مقام نیایش می‌پردازیم، این درخواست‌ها به ما الگوی خواستنیها را از خداوند در مقام دعا معرفی می‌کند، قرآن کریم این درخواست‌ها را به زیبایی بیان می‌کند، مهمترین آنها در این جا بیان می‌شود:

الف) خیر و سعادت دنیا و آخرت

جامع‌ترین دعا، این است که سعادت دنیا و آخرت را در برداشته باشد. حضرت موسی در مقام نیایش با خدا عرض می‌کند: «وَ اكْتُبْ لَنَا فِی هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِی الْآخِرَةِ إِنَّا هُدُّنَا إِلَيْكَ» (اعراف/۱۵۶) «و برای ما در این دنیا و سرای دیگر نیکی مقرر دار، چه این که ما به سوی تو بازگشت کرده‌ایم».

نظیر این آیه، دعای گروهی از زائران مکه مکرمه و حجاج بیت الله الحرام، بعد از ادای فریضه مهم حج می‌باشد: «رَبَّنَا آتِنَا فِی الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِی الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ» (بقره/۲۰۱) «پروردگارا! به ما در دنیا (نیکی) عطا کن! و در آخرت نیز (نیکی) مرحمت فرما! و ما را از عذاب آتش نگهدار» بنا به گفته برخی از مفسران، کلمه «حسنة» مفهوم وسیع و گسترده دارد، این مفهوم شامل تمام خیر و خوبی مادی و معنوی، دنیوی و آخروی می‌گردد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۶۶/۲).

ب) آموزش و رحمت

مسأله طلب آمرزش و رحمت، در غالب دعاها ذکر شده است. مهم ترین دغدغه و دلهرگی بنده از خطاهای اوست. بنده ای که می خواهد به مقام قرب الهی نایل شود؛ بایستی نخستین نگرانی و درخواستش از خداوند، عفو و بخشش الهی باشد؛ با توبه و تضرع به درگاه خداوند؛ رحمت و مغفرت الهی بسوی جلب کند، بعد خواسته های دیگرش را از خدا بخواهد، این درخواست شامل افراد و دسته های ذیل می گردد

(۱) خود دعا کننده

اکثر دعاها و نیایش ها با طلب بخشش برای فرد یا افراد دعاکننده شروع می شود، ضمیر به کار گرفته شده یا شخص گوینده است (یا متکلم واحد) یا اشخاص گوینده. برای نمونه، دعای حضرت آدم: «إِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَنَا وَ تَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ» (اعراف/۲۳) به اعتبار این که همراه حوا بوده ضمیر جمع به کار رفته است، در دعای نوح: «رَبِّ اغْفِرْ لِي» (نوح/۲۸) و دعای ابراهیم (ابراهیم/۴۱) ضمیر مفرد متکلم، با عطف کلمه «و لوالدی»، و در دعای موسی (اعراف/۱۵۱) ضمیر با عطف کلمه «ولاخی» و در دعای سلیمان (ص/۳۵) ضمیر مفرد، بدون عطف استعمال شده است، و دعای پیامبر اعظم (ص) «رَبِّ اغْفِرْ وَ ارْحَمْ وَ أَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ» (مؤمنون/۱۱۸) بدون ضمیر ذکر شده است.

(۲) والدین

از آن جا که پدر و مادر در تولید، پرورش و آموزش انسان نقشی به سزا دارد، حقی بزرگی به گردن فرزند دارد. رعایت حقوق والدین به حکم عقل، وجدان و عاطفه، امری لازم است، همه ادیان، مخصوصاً اسلام، و پیامبران الهی راجع به رعایت حقوق والدین و تکریم و احترام آنان سفارش های اکید دارند. این مسأله، در دعا و نیایش برخی از پیامبران به خوبی قابل لمس است. قرآن، از زبان نوح، ابراهیم و پیامبر خاتم (ص) نیایش های برای والدینشان ذکر می کند

دعای نوح نبی: «رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِمَنْ دَخَلَ بَيْتِي مُؤْمِنًا وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَلَا تَزِدِ الظَّالِمِينَ إِلَّا تَبَارًا» (نوح/۲۸) پروردگارا! مرا بیامرز، و همچنین پدر و مادرم، و تمام کسانی را که با ایمان وارد خانه من شدند، و برای تمام مؤمنین و مؤمنات، و ظالمان را، جز هلاکت میفز.

دعای ابراهیم خلیل: «رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ» (ابراهیم/۴۱). «پروردگارا مرا و پدر و مادرم و همه مؤمنان را در روزی که حساب بر پا می شود ببخش و بیامرز».

سلیمان نبی، از خدا توفیق می طلبد، تا شکر گذار خداوند در قبال نعمت های که به پدر و مادرش داده، باشد.

دعای حضرت سلیمان، (ع): «رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ» (نمل/۱۹) «پروردگارا! شکر نعمت‌هایی را که بر من و پدر و مادرم ارزانی داشته‌ای به من الهام کن».

گفتنی است، مشابه این آیه، در سوره احقاف آیه ۱۵ می‌باشد. مطابق برخی روایات، دعای سیدالشهدا (ع) می‌باشد (رک: قمی، ۱۳۷۶: ۲/۲۹۷).

پیامبر اکرم (ص) که اشرف مخلوقات است، از جانب خداوند مأمور می‌شود تا برای والدین گرامیش طلب رحمت کند: «رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا» (اسرا/۲۴) پروردگارا! آنها را مشمول رحمت خویش قرار ده همان‌گونه که در کودکی مرا تربیت کرده‌اند.

۳) برادر دینی

یکی دیگر از دعا‌های آموزنده و الگوساز، دعا برای آمرزش و درخواست الهی برای برادر انسان می‌باشد، این مطلب را در دعای حضرت موسی، برای برادرش هارون می‌یابیم:

«رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِإِخِي وَأَدْخِلْنَا فِي رَحْمَتِكَ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ» (اعراف/۱۵۱) «پروردگارا من و برادرم را بیامرز و ما را در رحمت بی‌پایانت داخل کن، تو مهربان‌ترین مهربانانی».

توجه به برادران دینی و ایمانی، در جای دیگری از قرآن نیز آمده است: «رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ» (حشر/۱۰). «پروردگارا! ما و برادرانمان را که در ایمان بر ما پیشی گرفتند بیامرز، و در دل‌هایمان حسد و کینه‌ای نسبت به مؤمنان قرار مده، پروردگارا! تو مهربان و رحیمی».

۴) همه مؤمنان

گروه دیگری، که مشمول طلب آمرزش پیامبران است، کسانیست که به خدا و روز جزا و محتوای تبلیغ دینی پیامبر عصرشان، ایمان دارند. حضرت نوح، پیامبر اولوالعزم و صاحب کتاب و شریعت بعد از طلب مغفرت برای خود و پدر و مادرش، برای پیروان و مؤمنان به مکتبش آمرزش می‌طلبد: «رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِمَنْ دَخَلَ بَيْتِي مُؤْمِنًا وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَلَا تَزِدِ الظَّالِمِينَ إِلَّا تَبَارًا» (نوح/۲۸) پروردگارا! مرا بیامرز، و همچنین پدر و مادرم، و تمام کسانی را که با ایمان وارد خانه من شدند، و برای تمام مؤمنین و مؤمنات، و ظالمان را جز، هلاکت میفزا.

مطابق نظر برخی از مفسران، منظور از «من دخل بیتی» پیروان آئین نوح از میان قوم او هستند، و مقصود از «مؤمنین و مؤمنات» تمام آنها تا روز قیامت، می‌باشند (طباطبایی، ۱۴۱۷ ه‍.ق: ۲۰/۳۶).

همچنین، در نیایش ابراهیم خلیل آمده است: «رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ» (ابراهیم/۴۱). «پروردگارا مرا و پدر و مادرم و همه مؤمنان را در روزی که حساب بر پا می‌شود ببخش و بیامرز».

ج) خانواده

خانواده، از نظر انبیا، فوق العاده اهمیت دارد. قبلا والدین و برادر را جدا گانه ذکر کردیم، چون دعای خاصی برای آنها در قرآن ذکر شده است، در این جا ذکر نمی کنیم، هر چند ممکن است اهل و خانواده شامل آنها نیز بشود؛ لکن اگر دعاکننده را مرد فرض کنیم قدر متیقن خانواده، زن و فرزندان اوست، اهل رجل، شامل کسانیست که با او وابستگی ویژه فامیلی دارد (طبرسی ۶۸۳۹/۴)، در دعای لوط، نیز کلمه «اهل» شامل زنش می شود، شاهدش این است که خداوند در مقام اجابت او را استثنا می کند: «فَانْجِيْنَاهُ وَ اَهْلَهُ اِلَّا امْرَاَتَهُ كَانَتْ مِنَ الْغَابِرِيْنَ» (اعراف/۸۳) و این استثنای متصل است (طبرسی، ۶۸۲۲/۴). این که چرا استثنا شد، قرینه خاص داریم، چون مراد، پیوند مکتبی است، زن لوط، مخالف مکتب اوست، قرآن او را زن خیانت کار در حق لوط معرفی می کند (تحریم/۱۰) مخالف مکتب اهل محسوب نمی شود، هر چند فرزند انسان باشد مانند پسر نوح (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۳۴/۱۰).

نجات خانواده از مفاسد دینی و اخلاقی

بدون تردید انسان مسلمان در قبال خانواده اش مسئولیت دارد، قرآن این مسأله را به صراحت بیان می کند: «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ نَاراً وَقُودُهَا النَّاسُ وَ الْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَ يَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ» (تحریم/۶) «ای کسانی که ایمان آورده اید! خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن انسان ها و سنگ ها است نگاه دارید، آتشی که فرشتگانی بر آن گمارده شده که خشن و سخت گیرند، و هرگز مخالفت فرمان خدا نمی کنند و دستورات او را دقیقاً اجرا می نمایند»، انبیا بیش از دیگران در این زمینه احساس مسئولیت می کردند، از حضرت لوط نبی، وقتی با جامعه آلوده به فساد اخلاقی و هم جنسگرایی مواجه سخت تلاش می کند تا آنها را هدایت کند، از خدا کمک می طلبد: «رَبِّ أَنْصُرْنِي عَلَى الْقَوْمِ الْمُفْسِدِينَ» (عنکبوت/۳۰)، «پروردگارا مرا در برابر این قوم مفسد، یاری فرما»، ولی متأسفانه جز خانواده اش هیچ کسی به او ایمان نمی آورد: «فَمَا وَجَدْنَا فِيهَا غَيْرَ بَيْتٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ» (ذاریات/۳۶) «جز یک خانواده با ایمان در تمام آنها نیافتیم» این جاست که پیامبر خدا، حضرت لوط برای نجات خود و خانواده اش دست به دعا برمی دارد: «رَبِّ نَجِّنِي وَ أَهْلِي مِمَّا يَعْمَلُونَ» (شعرا/۱۶۹) «پروردگارا! من و خاندانم را از آنچه این ها انجام می دهند رهایی بخش» خدای متعال نیز دعایش را اجابت می کند و به او دستور می دهد که قبل از نزول عذاب شبانه، همراه خانواده، بجز همسرش از شهر خارج شود: «فَانْجِيْنَاهُ وَ اَهْلَهُ اِلَّا امْرَاَتَهُ كَانَتْ مِنَ الْغَابِرِيْنَ» (اعراف/۸۳) ما او و خاندانش را نجات بخشیدیم جز همسرش که همراه بازماندگان در شهر بود [و به سرنوشت آنها گرفتار شد].

نکته مهم تربیتی، دعای لوط این است که، انسان بایستی برای تمام اعضای خانواده اش دلسوز باشد، صلاح و فلاح و نجات را برای همه بطلبد. حضرت لوط، در مقام دعا همسرش را استثنا نکرد، ولی خدا در مقام اجابت و نجات او را استثنا کرد (رک: اعراف/۸۳، هود/۸۱، حجر/۵۹-۶۰، شعرا/۱۷۰ عنکبوت/۳۲).

نسل آینده

برای انسان مؤمن، خانواده نیک و فرزندانی که موجب افتخار و روشنی چشم انسان باشد، یک آرزو و آرمان است. قرآن، یکی از خواسته‌های عباد الرحمن (بندگان خدای مهربان) را در مقام نیایش با پروردگارشان، زنان و فرزندانی ذکر می‌کند که موجب چشم روشنی آنان شوند: «رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَ ذُرِّيَّتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَ اجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا» (فرقان/۷۴) «پروردگارا از همسران و فرزندان ما، مایه روشنی چشم ما قرار ده و ما را پیشوای پرهیزگاران بنما». لذا در دعای برخی از پیامبران بزرگ، درخواست ذریه‌ای با ویژگی‌های همچون مسلمان، پاک، صالح، نمازخوان و... شده است.

یکی از مهمترین اهداف تولید و تکثر نسل، کثرت جمعیت مؤمن و مسلمان است. این هدف، وقتی محقق می‌شود که نسل آن‌ها با اعتقاد صحیح و باورهای دینی باشند، این ویژگی در نیایش ابراهیم خلیل و فرزندش اسماعیل ذبیح، ذکر شده است: «رَبَّنَا وَ اجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةٌ مُسْلِمَةٌ لَكَ» (بقره/۱۲۸) پروردگارا! ما را تسلیم فرمان خود قرار ده و از دودمان ما، امتی که تسلیم فرمانت باشد به وجود آور.

ویژگی دیگر، پاکی ولادت و طهارت روحی و روانی است، زکریا پیامبر، سال‌ها در آرزوی فرزند بود، او از خدای متعال درخواست فرزندان پاک و طاهر نمود، تا جانشین و وارث شایسته او باشند: «رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ» (آل عمران/۳۸) «خداوند! از طرف خود، فرزند پاکیزه‌ای (نیز) به من عطا فرما، که تو دعا را می‌شنوی». رَبَّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَ أَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ (انبیا/۸۹): پروردگارا مرا تنها مگذار، و تو بهترین وارثان هستی. مشابه این درخواست، در سوره مریم آیات ۴-۶ آمده است.

صفت برجسته‌ای دیگری، که در دعای انبیا، برای فرزندانشان آمده است، صالح و شایسته بودن است، ابراهیم خلیل به درگاه خداوند عرض می‌کند: «رَبِّ هَبْ لِي مِنَ الصَّالِحِينَ» (صافات/۱۰۰) «پروردگارا! به من از صالحان [فرزندان صالح] ببخش!».

در جای دیگر قرآن، اصلاح نسل آینده از خداوند تقاضا شده است: «وَ اصْلَحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي» (احقاف/۱۵) «و فرزندان مرا صالح کن».

عبادت و پرستش خالق یکتا هدف آفرینش است، چنانکه خداوند می‌فرماید: «من جن و انس را نیافریدم جز برای این که عبادتم کنند [و از این طریق، تکامل یابند و به من نزدیک شوند]» (ذاریات/۵۶)، بارزترین نوع پرستش رکوع و سجود و تعظیم است، در نماز پیشانی را بر خاک می‌ساییم تا اوج ذلت و فقر خود را در مقابل پروردگار ابراز کرده باشیم. لذا ابراهیم خلیل، از خدا می‌خواهد که او و ذریه اش را نماز گذار قرار دهد: «رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَ مِنْ

ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ (ابراهیم/۴۰) «پروردگارا مرا برپاکنده نماز قرار ده و از فرزندان من نیز چنین کن پروردگارا دعای (ما را) بپذیر».

این نیایش‌ها، به خوبی برای ما جنبه الگودهی دارد که ما در مقام دعا برای نسل خود چه چیزهای را بخواهیم تا سعادت دنیا و آخرتشان تأمین شود و برای ما، نیز خلف شایسته باشند.

امنیت و رفاه خانواده

امنیت، رکن اساسی زندگی است. امنیت، دو حوزه مهم دارد، یکی امنیت مادی؛ شامل: جان، آبرو و مال انسان. دیگری، امنیت روانی، فکری و اعتقادی. ابراهیم برای خانواده‌اش چنین دعا می‌کند: «رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا وَاجْنُبْنِي وَبَنِيَّ أَنْ نَعْبُدَ الْأَصْنَامَ» (ابراهیم/۳۵) پروردگارا این شهر (مکه) را شهر امنی قرار ده و من و فرزندانم را از پرستش بتها دور نگاه‌دار، بعد برای آنها محبوبیت اجتماعی و رفاه معیشتی می‌طلبد: «رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بُوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْنَدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ» (ابراهیم/۳۷) پروردگارا! من بعضی از فرزندانم را در سرزمین بی آب و علفی در کنار خانه‌ای که حرم تو است، ساکن ساختم تا نماز را بر پای دارند، تو قلب‌های گروهی از مردم را متوجه آنها ساز و از ثمرات به آنها روزی ده شاید آنان شکر تو را بجای آورند.

ابراهیم خلیل، وقتی خانواده اش را در بیابان خشک حجاز گذاشت برای آنها از خدا چند چیزی اساسی خواست، که برای ما سرمشق است:

۱. امنیت مادی و فیزیکی؛ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا
۲. امنیت روانی؛ وَاجْنُبْنِي وَبَنِيَّ أَنْ نَعْبُدَ الْأَصْنَامَ
۳. توجه مردم، محبوبیت اجتماعی؛ فَاجْعَلْ أَفْنَدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ
۴. رزق و روزی؛ وَارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ.

یکی دیگر از پیامبران بزرگ الهی، حضرت عیسی با خداوند چنین دعا می‌کند: «اللَّهُمَّ رَبَّنَا أَنْزِلْ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ تَكُونُ لَنَا عِيدًا لِأَوَّلِنَا وَآخِرِنَا وَآيَةً مِنْكَ وَارْزُقْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ» (مائده/۱۱۴) «خداوندا، پروردگارا! مائده‌ای از آسمان بر ما بفرست تا عیدی برای اول و آخر ما باشد و نشانه‌ای از تو، و به ما روزی ده، تو بهترین روزی دهندگان هستی».

عاقبت به خیری

مسأله عاقبت به خیری و این که انسان با ایمان و اعتقادات صحیح و به تمام معنی مسلمان، از دنیا برود خیلی ارزش دارد. لذا، یکی از درخواست‌های مهم انبیا، عاقبت خوش و پایان مبارک برای عمرشان بود. از جمله وجود مبارک حضرت یوسف می‌فرماید: «رَبِّ قَدْ آتَيْتَنِي مِنَ الْمُلْكِ وَ عَلَّمْتَنِي مَنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَنْتَ وَلِيِّ فِی الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ تَوَفَّنِي مُسْلِمًا وَأَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ» (یوسف/۱۰۱) «پروردگارا! بخش (عظیمی) از حکومت به من بخشیدی و مرا از علم تعبیر خواب‌ها آگاه ساختی، تویی آفریننده آسمان‌ها و زمین، و تو سرپرست من در دنیا و آخرت هستی، مرا مسلمان بمیران و به صالحان ملحق فرما».

چنان که قبلاً هم گفتیم (بحث نسل صالح) ابراهیم خلیل و اسماعیل ذبیح، نیز از خدای متعال برای خود و نسلشان از خدا ماندن در خط توحید و عاقبت به خیری خواستند (رک: بقره ۱۲۸). در دو مورد دیگر، داخل شدن در زمره صالحان در دعای ابراهیم (شعرا/۸۳) و سلیمان (نمل/۱۹) نیز ذکر شده است، این نیز، درخواست عاقبت بخیری است. آرزوی ساحران فرعون، در لحظات تشرف به یکتاپرستی، نیز عاقبت به خیری بود، لذا از دربار ایزد منان، با تمام وجود عاقبت بخیر شدن را خواست: «رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَ تَوَفَّنَا مُسْلِمِينَ» (اعراف/۱۲۶) «بار الها! پیمانه صبر (و استقامت) را تا آخر بر ما بریز و ما را مسلمان بمیران (و تا پایان عمر با اخلاص و ایمان بدار)»، خدای متعال نیز اجابت نمود و آنان پس از دریافت بصیرت و تشرف به دین الهی به درجه رفیع شهادت نایل شدند. و همچنین فراز آخر آیه ۱۹۳ سوره آل عمران، در رابطه با عاقبت به خیری است: «رَبَّنَا فَاعْفُ رُفْنَا ذُنُوبَنَا وَ كَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَ تَوَفَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ» (آل عمران/۱۹۳) «پروردگارا، گناهان ما را ببخش، و ما را با نیکان (و در مسیر آنها) بمیران».

دانش و حکمت

یکی از مهمترین کمالات انسان، دانش و حکمت است، در روایات از علم به عنوان «چراغ راهنمای عقل»، «چشمه جوشان فضیلت» (آمدی، ۱۴۰۳: ۸۵) و «رهبر خرد» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۳۱/۴۶) یاد شده است، لذا در میان درخواست‌های پیامبران از خداوند این دو مسأله بصورت برجسته می‌باشد، از جمله افزایش دانش در نیایش رسول خدا (ص) آمده است: «رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا» (طه/۱۱۴) «پروردگارا! علم مرا افزون فرما»، و درخواست حکمت، در دعای ابراهیم (ع) ذکر شده است: «رَبِّ هَبْ لِي حُكْمًا وَأَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ» (شعرا/۸۳) «پروردگارا! به من علم و دانش مرحمت فرما، و مرا به صالحان ملحق کن».

گرفتار نشدن در دام فتنه کفار و ظالمین

خیلی مهم است که انسان فریب وسوسه های دشمن را نخورد و تحت تأثیر جوسازی ها و فضا سازی، قرار نگیرد. برای نیفتادن در دام دشمن و کسب بصیرت لازم، باید از خدا کمک گرفت. در این رابطه، حضرت ابراهیم و پیروانش با خدا چنین نیایش می کند: «رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَاعْفِرْ لَنَا رَبَّنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» (ممتحنه/۵) «پروردگارا! ما را مایه گمراهی کافران قرار مده، و ما را ببخش ای پروردگار ما، که تو عزیز و حکیمی»، باز در همین راستا، دعایی جوانان و جوانمردان قوم موسی است که به دستور موسی صورت گرفته است: «رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِّلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ وَنَجِّنَا بِرَحْمَتِكَ مِنَ الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ» (یونس/۸۶۸۵) «پروردگارا ما را تحت تأثیر گروه ستمگر قرار مده. و ما را به رحمت از (دست) گروه کافران رهایی بخش».

صبر و استقامت

هر انسانی در این دنیا، باخطرات و عواملی مواجه است؛ که وجود و منافع او را تهدید می کند؛ بویژه انسان مؤمن، علاوه بر منافع مادی، ارزش های دینی او نیز با عوامل خطر مواجه است. برای حفظ خود و منافع مادی و معنویش نیاز به قدرت و پشتوانه دارد. حفظ و دفاع از دین و ارزش های دینی برای انبیا، از هر منفعت دیگری اولویت دارد؛ لذا برای تحقق این هدف، از هیچ تلاشی فروگذار نکردند. برای استقامت و پیروزی شان به درگاه خدای متعال، نیایش می کردند و از خدا یاری می طلبیدند. در قرآن به مواردی برمی خوریم که دعای پیامبران و یاران آنهاست:

۱- دعای حضرت نوح (ع): «فَدْعَا رَبِّهُ أَتَى مَغْلُوبٌ فَانْتَصِرَ» (قمر/۱۰). «حضرت نوح (ع) به درگاه پروردگار عرضه داشت: من مغلوب (این قوم طغیانگر) شده ام، انتقام مرا از آنها بگیر». درجای دیگر، همین نصرت خواهی را از خدا در برابر تکذیب کنندگان رسالتش تکرار می کند: «رَبِّ أَنْصُرْنِي بِمَا كَذَّبُونِ» (مؤمنون/۲۶) «پروردگارا! مرا در برابر تکذیب های آنان یاری کن».

۲- به همین عبارت و مضمون، دعای صالح پیامبر (ع) می باشد: «رَبِّ أَنْصُرْنِي بِمَا كَذَّبُونِ» (مؤمنون/۳۹).

۳- دعای انبیا مجاهد و یارانشان: «رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَإِسْرَافَنَا فِي أَمْرِنَا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ» (آل عمران/۱۴۷). «پروردگارا گناهان ما را بیامرز و از تندروی های ما درگذر، و ما را ثابت قدم بدار و بر کافران پیروز بگردان».

۴- دعای طالوت، و لشکریانش در برابر جالوت: «رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَ ثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَ انصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ» (بقره/۲۵۰). «پروردگارا! صبر و استقامت را بر ما فرو ریز و گام های ما را استوار بدار، و ما را بر گروه کافران پیروز گردان».

و رود و خروج صادقانه در هر امری

شروع خوب، ادامه و اتمام درست هر امری، فوق العاده مهم است، لذا پیامبر اعظم (ص) و رود و خروج صادقانه در هر چیزی را از خدا خواست: «رَبِّ اَدْخِلْنِيْ مُدْخَلَ صِدْقٍ وَّاَخْرِجْنِيْ مُخْرَجَ صِدْقٍ وَّاجْعَلْ لِّيْ مِنْ لَّدُنْكَ سُلْطٰنًا نَّصِيْرًا» (اسرا/۸۰) «پروردگارا! مرا (در هر کار) صادقانه وارد کن، و صادقانه خارج نما، و از سوی خود، سلطان و یاورى برای من قرار ده».

استقرار مبارک

در جریان کشتی سازی نوح، و به و جود آمدن طوفان جهانی، خداوند به نوح در هنگامی که او و تمام آن چه که در کشتی سوار بودند، دستور می دهد؛ که از خدا درخواست کند، که او را در مکان مبارک و به طور صحیح و سالم فرود آورد: «رَبِّ اَنْزِلْنِيْ مُنْزَلًا مُّبٰرَكًا وَّ اَنْتَ خَيْرُ الْمُنْزِلِيْنَ» (مؤمنون/۲۹) «پروردگارا! مرا در منزلگاهی پر برکت فرود آر، و تو بهترین فرود آورندگان».

بایسته ها در هنگام قبول مسئولیت

پذیرش هر مسئولیتی، آمادگی لازم برای انجامش می طلبد؛ خصوصاً امر رسالت و تبلیغ دینی، پیش بینی موانع و خطرات، حرکت در مسیر و ادامه آن، با توکل برخداوند، داشتن سعه صدر و صبر و حوصله برای انجام مأموریت و مسئولیت، این سه امر به عنوان بایسته های یک مبلغ الهی و دینی است. در دعاها و نیایش های انبیا، این سه مطلب، تقاضا شده است:

۱ پیش بینی موانع و اظهار دلهرگی

هنگامی که موسی و هارون از جانب خداوند مأموریت یافتند، که به سوی فرعون بروند و او را با سخن نرم به یکتا پرستی دعوت نمایند و بنی اسرائیل را آزاد نمایند، آنان به خدای متعال عرض کردند: «رَبَّنَا اِنَّا نَخَافُ اَنْ يَّفْرُطَ عَلَيْنَا اَوْ اَنْ يَّطْغٰى» (طه/۴۵) «پروردگارا! از این می ترسیم که (فرعون) بر ما پیشی گیرد (و قبل از بیان حق، ما را آزار دهد) یا طغیان کند (و نپذیرد)».

۲ توکل

انسان، در عین حالی که تمام همتش را برای انجام مسئولیت، به کار می بندد؛ بایستی خود و حوزه مسئولیتش به خداوند بسپارد و او را همه کاره بداند؛ و از او کمک بگیرد. در این زمینه، دعای حضرت ابراهیم، الگوی خوبی است: «رَبَّنَا عَلَیْكَ تَوَكَّلْنَا وَاِلَیْكَ اَنْبَا وَاِلَیْكَ الْمَصِيْرُ» (ممتحنه/۴) «پروردگارا! ما بر تو توکل کرده ایم، و به سوی تو باز گشتیم، و سرانجام همه، به سوی تو است».

۳. طلب سعه صدر و تسهیل مأموریت

شرح صدر و تحمل بالا، بایسته دیگری است که، یک مبلغ و رهبر دینی باید داشته باشد. در روایت داریم، که «سعه صدر ابزار ریاست و زعامت است» (آمدی ۱۴۱۰: ۶۷)، خداوند به پیامبر اکرم (ص) نیز از این که به او شرح صدر داده است یادآوری می کند (انشراح ۱)، حضرت موسی، این ابزار مهم را از خدای متعال درخواست می کند تا بتواند رسالتش را ابلاغ کند: «رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي، وَ يَسِّرْ لِي أَمْرِي، وَ احْلِلْ عُقْدَةً مِنْ لِسَانِي، يَفْقَهُوا قَوْلِي» (طه/۲۸-۲۵) «پروردگارا سینه مرا گشاده دار؛ کار مرا بر من آسان گردان؛ و گره از زبانم بگشا، تا سخنان مرا بفهمند».

نجات از خواری و رسوایی روز قیامت

در بحث روش، به عصمت انبیا اشاره کردیم که آنان از گناه و معصیت معصومند؛ ولی از آن جهت که روز قیامت، روز فاش شدن اسرار و کنار رفتن پرده از حقیقت و باطن اعمال است؛ دعای انبیا در این رابطه، برای گوشزد کردن به امت های شان می باشند. لذا، حضرت ابراهیم، دعا می کند: «وَلَا تُخْزِنِي يَوْمَ يُبْعَثُونَ» (شعرا/۸۷) «خداوندا مرا در روزی که مردم برانگیخته می شوند رسوا مکن».

مورد دیگر، در این موضوع، دعای صاحبان خرد می باشد: «رَبَّنَا وَ آتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَى رُسُلِكَ وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ» (آل عمران/۱۹۴) «پروردگارا، آنچه را به وسیله پیامبران ما را وعده فرمودی، به ما مرحمت کن، و ما را در روز رستاخیز رسوا مگردان، زیرا تو هیچ گاه از وعده خود تخلف نمی کنی».

کارکرد دعا درمانی

یکی از کارکردهای مهم دعای پیامبران، درمان بیماران است. دعا درمانی، از آغاز خلقت انسان بر زمین از طرف پیامبران الهی مطرح و جزء آموزش های ایشان بوده است. این مردان بزرگ، که هر لحظه با خداوند پیوندی ناگسستنی توسط دعا و نیایش داشته اند، هم برای خود و هم برای دیگران شفای بیماری ها را از خداوند خواسته اند؛ مثلاً حضرت ایوب، وقتی به بیماری سختی مبتلا شد برای شفایش به درگاه خداوند عرض حال کرد و خداوند اجابت نمود، سلامتش به او برگردانید: «وَ أَيُّوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الضُّرُّ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ» (انبیا/۸۳) «و ایوب را (به یاد آور) هنگامی که پروردگارش را خواند (و عرضه داشت) بد حالی و مشکلات به من روی آورده و تو ارحم الراحمینی».

نویسندگان مقاله «نقش دعا در تربیت انسان از دیدگاه قرآن و معصومین» مواردی را در قرآن برشمردند؛ که به نظر می رسد برخی از آنها را نمی توان دعا در مانی دانست (بهشتی و قریب، ۱۳۹۰: ۵/۵۴):

۱- بیماری ایوب و درخواست شفا

ایوب پیامبر، به خداوند عرضه می‌دارد: «وَإِيُوبَ إِذْ نَادَىٰ رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الضُّرُّ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ فَكَشَفْنَا مَا بِهِ مِنْ ضُرٍّ وَآتَيْنَاهُ أَهْلَهُ وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِنَا وَذِكْرَىٰ لِلْعَابِدِينَ» (انبیا/۸۳-۸۴) و ایوب را (به یاد آور) هنگامی که پروردگارش را خواند (و عرضه داشت) بد حالی و مشکلات به من روی آورده و تو ارحم الراحمینی. ما دعای او را مستجاب کردیم، و ناراحتی‌هایی را که داشت برطرف ساختیم، و خاندانش را به او بازگردانیدیم، و همانندشان را بر آن‌ها افزودیم، تا رحمتی از سوی ما باشد، و تذکری، برای عبادت کنندگان»

۲- دعادرمانی حضرت زکریا

حضرت زکریا، این گونه خدا می‌خواند: «إِذْ نَادَىٰ رَبَّهُ نِدَاءً خَفِيًّا قَالَ رَبِّ إِنِّي وَهَنَ الْعَظْمُ مِنِّي وَاشْتَعَلَ الرَّأْسُ شَيْبًا وَلَمْ أَكُنْ بِدُعَائِكَ رَبِّ شَقِيًّا» (مریم/۳-۶) در آن هنگام که پروردگارش را در خلوتگاه (عبادت) خواند، گفت پروردگارا! استخوانم، سست شده و شعله پیری تمام سرم را فرا گرفته و من هرگز در دعای تو از اجابت محروم نمی‌شدم».

۳- دعا درمانی یوسف برای یعقوب پیامبر

«ادْهَبُوا بِقَمِيصِي هَذَا فَالْقُوهُ عَلَىٰ وَجْهِ أَبِي يَأْتِ بَصِيرًا وَأْتُونِي بِأَهْلِكُمْ أَجْمَعِينَ» (یوسف/۹۳) «این پیراهن مرا ببرید و به صورت پدرم بیندازید، بینا می‌شود، و همگی خانواده نزد من آئید».

۴- دعا درمانی حضرت عیسی

«أَنِّي قَدْ جِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ أَنِّي أَخْلُقُ لَكُمْ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَأَنْفُخُ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِ اللَّهِ وَابْرِئُ الْأَكْمَهَ وَالْأَبْرَصَ وَأُحْيِ الْمَوْتَىٰ بِإِذْنِ اللَّهِ وَأَنْبِئُكُمْ بِمَا تَأْكُلُونَ وَمَا تَدْخِرُونَ فِي بُيُوتِكُمْ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لِّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (آل عمران/۴۹) «من نشانه‌ای از طرف پروردگار شما، برایتان آورده‌ام، من از گل، چیزی به شکل پرنده می‌سازم، سپس در آن می‌دمم و به فرمان خدا، پرنده‌ای می‌گردد. و به اذن خدا، کور مادرزاد و مبتلایان به برص [پیشی] را بهبودی می‌بخشم، و مردگان را به اذن خدا زنده می‌کنم، و از آن‌چه می‌خورید، و در خانه‌های خود ذخیره می‌کنید، به شما خبر می‌دهم، مسلماً در این‌ها، نشانه‌ای برای شماست، اگر ایمان داشته باشید» (رک: بهشتی و قریب، ۱۳۹۰: ۵۴/۵).

نقد و بررسی

آنچه می‌توانیم بگوئیم، این است که از این موارد، تنها دعای ایوب و حضرت عیسی جنبه درمانگری داشته است؛ ولی در مورد حضرت یعقوب، آنچه مسلم است این است که پیراهن یوسف به طور اعجاز، سبب بینایی او شد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۷۵/۱۰)، قرآن نیز القای پیراهن را سبب بازگشت بینایی یعقوب ذکر می‌کند (یوسف/۹۶)، زکریا، نیز

پیری و ناتونی خود را به عنوان زمینه سازی و مقدمه طلب فرزند به خداوند بیان می کند و مستقیماً بهبودی خودش را درخواست نمی کند.

نتیجه گیری

دعای پیامبران، کارکرد های تربیتی زیادی دارد، در این تحقیق، به دو کارکرد مهم تربیتی پرداختیم؛ یکی کارکرد الگودهی، که شامل دو بخش روشی و محتوایی بود، و بسیار آموزنده و تربیت ساز؛ به خصوص بخش محتوایی دعا که به ما می آموزد که در مقام نیایش به چه چیزی اولویت دهیم. به طور کلی، درخواست سعادت دنیا و آخرت برای خود، خانواده و جامعه از اولویت های دعای پیامبران است، که برای ما جنبه الگو بخشی دارد. کارکرد دیگر، دعا درمانی در نیایش پیامبران است. این کارکرد، در نیایش حضرت ایوب پیامبر و حضرت عیسی (ع) به طور مشهور قابل ره بایی و نشانه یابی است که موارد آن را بر شمردیم.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. بهشتی، سعید (دانشیار و مدیر گروه فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه علامه طباطبائی)، قریب، مسعود (کارشناسی ارشد فلسفه تعلیم و تربیت)، نقش دعا در تربیت انسان از دیدگاه قرآن و کلام معصومین، دوفصلنامه علمی پژوهشی عقل و دین شماره ۵ سال ۱۳۹۰.
۳. تیممی آمدی، عبدالواحد، غررالحکم و درر الکلم، دارالکتاب الاسلامی، قم، ۱۴۱۰ هـ.ق، دوم.
۴. حلی، حسن بن مطهر، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، تحقیق حسن زاده آملی، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۳، چهارم.
۵. خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، تهران، دوستان و ناھید، ۱۳۷۷.
۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، دارالعلم الدارالشامیه، دمشق، ۱۴۱۲ هـ.ق.
۷. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم، ۱۴۰۹ ق، اول.
۸. طباطبائی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، دفتر انتشارات اسلامی قم، ۱۴۱۷.
۹. طریحی، فخر الدین بن محمد، مجمع البحرین، مرتضوی - تهران، چاپ: سوم، ۱۳۷۵ ش.
۱۰. غلامی، مجاهد و خوشناموند، مسعود: بررسی تأثیر تربیتی «دعا» و تلاش در شئونات زندگی؛ مجله‌ی پژوهش‌های تعلیم و تربیت اسلامی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان ۱۳۹۴، سال هفتم، شماره ۳.
۱۱. قرشی، سیدعلی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۱، ششم.
۱۲. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۴۰۷ ق.
۱۳. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳، دوم.
۱۴. مکارم شیرازی، ناصر، (و دیگران)، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۴، اول.